

اساتید دانشگاه به مسعود پزشکیان پیشنهاد می‌دهند

دانشگاه نه پادگان است

نه کلوپ سیاسی



دولت چهاردهم این هفته رسماً کار خود را آغاز خواهد کرد و طبق برنامه‌ریزی معمول شروع دولت‌ها نهایتاً تا یک‌ماه آتی سکان‌داران جدید وزارتخانه‌ها و مجموعه‌های اصلی دولت مشخص خواهند شد. آغاز دولت جدید می‌تواند نویدبخش حضور افراد تازه‌نفس و ایده‌های جدیدی باشد که با پوشش ضعف‌های موجود و تقویت نقاط قوت، آینده‌بهتری را پیش روی ایرانیان ایجاد کند. در فضای آموزش عالی و اکوسیستم علم و فناوری با وجود کارهای متعددی که انجام شده اما چالش‌های مختلفی پیش روی دولت بعدی قرار دارد. دانشگاه امروز هم از حیث مدیریت و حکمرانی نیازمند تحول است و هم از حیث آموزشی و پژوهشی باید با انتظارات جامعه هم‌جهت و پاسخگو شود. تغییراتی که می‌تواند تضمینی بر نشاط جریان علمی کشور باشد به شرط آنکه با مراقبت نه پادگان شود و نه کلوپ سیاسی احزاب. در آستانه آغاز به کار دولت چهاردهم ۲۱ شخصیت علمی و استاد دانشگاه از مدیران بخش‌های مختلف علم و فناوری کشور در گفت‌وگو با «فرهنگستان» از اولویت‌های دولت آینده گفتند و پیشنهادهای خود را برای مدیران جدید این حوزه بیان کردند که در ادامه می‌خوانید.

قهر با رشته‌ها و علوم جدید، مسائل اصلی وزارت علوم

رشته‌های سختی هستند، منظور از «سخت» در واقع «کار سخت» است، یعنی دانشجوی فکر می‌کند زمانی که فارغ‌التحصیل می‌شود باید کار سخت انجام دهد و با خود می‌گوید کار آسان‌تری را انجام می‌دهم. از نگاه من، کارگر برنامه‌نویسی سازمان‌های کلان شده‌ام و در این شرایط صنایع و نیازهای اساسی کشور به فراموشی سپرده می‌شوند، بنابراین بچه‌ها مسیر اول را انتخاب می‌کنند و نمی‌پسندند که در معدن و صنعت کار کنند. اولویت دومی که دولت چهاردهم باید در حوزه علمی مورد توجه قرار دهد علوم جدید است. علوم جدیدی را که در دنیا اتفاق افتاده باید به ایران نیز آورد و از آن استفاده کرد. وزارت علوم باید یک‌سری کارها را پایه‌گذاری کند. در دورنمای دو تا سه ساله باید گروه‌های علمی تشکیل شوند تا بتوانند کارهایی جدید انجام دهند، به‌عنوان مثال هوش مصنوعی، زیست‌فناوری و کوانتوم علمی هستند که در تمام دنیا روی آن کار می‌شود. وزارت علوم نیز باید به آن فکر کند و طرف دو الی سه سال به این موضوع واکنش نشان دهد. در حوزه اجرا باید سراغ آموزش و پرورش رفت؛ در حوزه آموزش عالی نمی‌توان کار چندانی انجام داد، زیرا زمانی که افراد وارد آموزش عالی می‌شوند انتخاب‌های خود را انجام داده‌اند. ما باید به یک‌کلاه پایین‌تر برویم و کار را از آموزش و پرورش آغاز کنیم. باید یک تیم با حضور وزیر علوم، وزیر آموزش و پرورش، معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری و... تشکیل کنیم. دانش‌آموزان را به سمتی ببریم که از اتفاقات آگاهی داشته باشند. گره در آموزش و پرورش است و در آموزش عالی نیست.

محمد علی اکبری، معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری درخصوص برطرف کردن چالش قهر با رشته‌های مهم باید فکر اساسی کند، زیرا در آینده نزدیک در کشور «مهندس» و افرادی که علوم پایه آموزش دیده باشند، نخواهیم داشت و تعداد آنها به شدت کاهش پیدا می‌کند. خانواده‌ها، دانشجویان و دبیرستانی‌ها با برخی رشته‌های اساسی و مهم کشور قهر کرده‌اند. در دانشگاه‌های دولتی نیز به برخی رشته‌های مهم مانند حوزه مهندسی بی‌توجهی شده است. همه رشته‌ها مهندسی نیستند ولی رشته‌های «پایه» محسوب می‌شوند که مورد بی‌توجهی مردم قرار گرفته‌اند. این مساله باید در اولویت قرار گیرد و به‌طور جدی پیگیری شود. من معتقدم باید جامعه را ارزیابی کرد؛ شرایطی در جامعه ایجاد شده و در کنکور نیز شاهد هستیم که درصد بسیاری از افراد رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی علاقه‌مند هستند. بازار کار این رشته‌ها نیز مشخص است. اما تنها مساله «بازار کار» مطرح نیست، به‌عنوان مثال در معدن، نفت، برق، شیمی به شدت به نیروی کار نیاز داریم. شرکت‌هایی وجود دارند که حتی دانشجویان را بوریسه می‌کنند تا درس بخوانند اما دانشجویان هم به سمت این رشته‌ها حرکت نمی‌کنند. شاید اتفاقی در جامعه افتاده که مردم فکر می‌کنند این رشته‌ها،

اجرای احکام برنامه هفتم اولویت کاری وزیر علوم دولت چهاردهم

محمد علی زلفی گل، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دولت سیزدهم



در ابتدای صحبت‌م در مورد وزارت علوم آینده باید به وزیر علوم آینده تبریک بگویم. برای آرزوی موفقیت و توفیق خواهم داشت و همچنین تمام‌قد در

سهم پژوهش از GDP به صورت واقعی تخصیص داده شود

پیمان صالحی



معاون پژوهشی وزارت علوم باید منابع مالی جدی را برای حوزه پژوهش و فناوری فراهم کنیم؛ اگر می‌خواهیم نگه‌داشت نخبگان را جدی بگیریم - که از اولویت‌های شهید رئیسی بود - باید یک سری امتیازها را در این بخش ایجاد کنیم که برای نخبگان جاذبه داشته باشد تا آنها بتوانند نیازهایشان را تأمین کنند. پیشنهاد این است که همان سهم پژوهش از GDP در قانون را به این حوزه اختصاص دهیم. کاری که دولت چهاردهم باید انجام دهد، این است که این سهم را به صورت واقعی اجرا کند؛ چراکه امروز این سهم

راستای انتقال تجربیات آمادگی کامل دارم و می‌توانم تجربیاتی را که در این مدت در وزارت علوم داشته‌ام در اختیارش بگذارم؛ چراکه همگی برای یک کشور کار می‌کنیم و تلاش مان این است که کشور پیشرفت کند. توصیه‌ام به وزیر نیز این است که بخش علم و فناوری برنامه هفتم توسعه پیشرفت را چندین بار مرور کند و تمام انرژی‌اش را بگذارد تا احکام این برنامه اجرایی و عملیاتی شود.

به هر دلیلی به صورت واقعی اجرایی نشده و در صورتی که این مساله محقق شود، بسیاری از سیاست‌های ما در این حوزه قابلیت اجرا خواهد داشت. درحقیقت امروز سیاست‌های مختلفی را در عرصه پژوهش و فناوری داریم، اما آن بخشی که به مسائل مالی مرتبط است به دلایل مختلف ابر باقی مانده است. طبق صحبت‌های مقام معظم رهبری علم و فناوری، کلید پیشرفت کشور است و اگر کسی به این باور داشته باشد، هیچ‌گاه عنوان نمی‌کند که ۲ درصد سهم GDP را خرج پژوهش می‌کنیم، بلکه عنوان می‌شود که در این حوزه سرمایه‌گذاری شده تا بعد از مدتی این حوزه بازه چندین برابری بدهد. امیدوارم موضوعات مختلفی که در عرصه آموزش عالی در دولت سیزدهم آغاز شده و برخی از آنها به نتیجه رسید و برخی دیگر در حال اجراست، براساس یک کارشناسی ادامه‌دار باشد.

استقلال دانشگاه‌های سطح اولویت دولت جدید باشد

مجتبی شریعتی‌نایس، معاون پیشین آموزش و وزارت علوم



احیای منزلت اساتید در نظام آموزش عالی کشور باید به لحاظ سیاست کلی از اولویت‌های دولت چهاردهم باشد. اعضای هیات علمی نه فقط باید در سطح جامعه علمی، بلکه در سطح اجتماع احساس اعتماد، امنیت شغلی، آزاداندیشی، نقش آفرینی در نظام تصمیم‌سازی و... داشته و البته از رفاه قابل‌قبولی نیز برخوردار باشند. دولت ضمن معاضدت در همه ارکان آموزش عالی، حمایت ویژه‌ای از معهود دانشگاه‌های شاخص کشور - دولتی یا غیردولتی که نماد آموزش عالی محسوب می‌شوند - داشته باشد. در نظام جمهوری اسلامی این دانشگاه‌ها می‌توانند افتخارآفرین باشند و در معرفی ظرفیت و توان علمی کشور نقش اول را ایفا کنند. این‌گونه مراکز تقریباً در همه کشورها مورد توجه ویژه قرار دارند. در آمریکا دانشگاه‌های ام‌آی‌تی، استنفورد و هاروارد، در انگلیس آکسفورد و کمبریج، در فرانسه سوربن، در کانادا مک‌گیل و در خیلی از کشورهای پیشرفته دولت‌ها توجه خاص به این دانشگاه‌ها دارند؛ ام از اینکه دولتی

باشند یا غیردولتی، چون افول، تضعیف و شکست این دسته از مراکز علمی عملاً شکست آموزش عالی و علم در آن کشور محسوب می‌شود. بحث استقلال دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه‌های سطح اول نیز یکی دیگر از اولویت‌هاست. این دانشگاه‌ها باید اقتدار لازم را در نظام اجرایی حوزه مدیریتی خود و در چهارچوب سیاست‌های کلان آموزش عالی احساس کنند. اهمیت این رویکرد منحصر درخصوص دانشگاه‌های طراز اول کشور باید بیشتر مورد توجه دولتمردان قرار گیرند. شاید برای دوران پیش از انقلاب که در کل کشور تعداد دانشگاه‌های ما بسیار محدود بود، وابستگی آنها به ستاد اجرایی وزارت وقت توجیه داشت ولی امروز که بیش از دوهزار واحد دانشگاهی، قریب به ۹۰ هزار هیات علمی و بیش از سه میلیون دانشجو داریم، وابستگی امور اجرایی به ستاد مرکزی دستگاه آموزش عالی به هیچ‌وجه قابل‌توجه نیست. تمرکززدایی نه فقط نظام تصمیم‌گیری را تسهیل می‌کند، بلکه این امکان را فراهم می‌کند که دانشگاه‌های بزرگ استان‌ها نقش ستاد را در هدایت مراکز کوچک‌تر در استان خود ایفا کنند. دانشگاه‌های مطرح کشور باید بتوانند به جای ستاد مرکزی در مناطق ده‌گانه آموزش عالی مدیریت کرده و نقش هدایتگرانه داشته باشند، لذا سیاست تقویض اختیار به دانشگاه‌های محوری استان‌ها و برداشتن دیوار بی‌اعتمادی از آنها می‌تواند

در اعتلای آموزش عالی موثر باشد. همچنان یکی از چالش‌های آموزش عالی وجود کنکور متمرکز است. نقد این رویکرد به معنی حذف آزمون ورودی دانشگاه‌ها نیست. محدود کردن آزمون به رشته‌های پرمتقاضی، تقویض اختیار به دانشگاه‌های بزرگ در برگزاری آزمون‌های اختصاصی و حذف آزمون برای پذیرش در رشته‌های کم‌متقاضی در مراکز دانشگاهی کم‌برخوردار می‌تواند منجر به حذف کنکور متمرکز شود و در نتیجه کاهش تنش خانواده‌ها، استرس داوطلبان، کاهش هزینه‌ها و از همه مهم‌تر حذف تدریجی نظام تست‌زنی از شیوه ارزیابی توان علمی دانش‌آموزان را در پی داشته باشد. مضاف بر اینکه میدان فعالیت موسسات کنکور هم محدود می‌شود. مناسبانه رسانه ملی نیز به هر دلیل (درآمدزایی یا...) زمینه تبلیغات روزافزون این موسسات را افزایش می‌دهد و به موضوع دامن می‌زند. در چنین شرایطی طبعاً خانواده‌های متمکن با صرف هزینه‌های گزاف، فرزندان خود را راهی این موسسات و صرفاً ارتقای سطح توان تست‌زنی (و نه توان دانشی) آنان را پشتیبانی می‌کنند و بعضاً وارد دانشگاه‌های می‌شوند. اما داوطلبان برخاسته از خانواده‌های دهک‌های پایین جامعه در عین استعداد و شکوفایی از ورود به دانشگاه محروم می‌مانند و این عین بی‌عدالتی است. البته این نکته که ما درصدی از امتیاز